



حسین شکیب‌رادی

سردبیر

یکی از رفیق‌هایم متخصص گفتاردرمانی است. یعنی اگر کسی در تکلم دچار مشکل شود به او کمک می‌کند تا دوباره بتواند صحبت کند. شاید هم کسی لکنت داشته باشد یا حتی در خوردن غذا مشکلی داشته باشد و او همه این‌ها را با شیوه‌های مختلف حل می‌کند. یک بار با او به خانه یکی از مریض‌هایش رفتم. نوجوانی بود که در اثر تصادف و آسیب مغزی هم غذا خوردن برایش سخت شده بود و هم نمی‌توانست درست صحبت کند. فرآیند درمان خیلی عجیب و سخت بود. رفیقم دستکش دستش کرد و جلوی چشم من دستش را تا منچ می‌کرد توی حلق بیماراش و به قول خودش زبان او را ورز می‌داد و بعد از آن رفت سروقت گلوئید بیمار و خلاصه صحنه دلخراشی بود. بعد از درمان‌های تهاجمی شروع کرد به انجام یک سری تمرینات زبانی و با مشاوره کارش را خاتمه داد. کارش که تمام شد دیدم آن نوجوان کمی بهتر صحبت می‌کند و بلع غذا هم برایش راحت‌تر شده است. بعد از این‌که کار دوستم تمام شد با هم از خانه بیمار بیرون زدیم و او حرف جالبی به من زد. می‌گفت ای کاش می‌شد فکری هم برای زبان بقیه نوجوان‌ها کرد. گفتم مگر بقیه هم مشکل تکلم دارند؟ گفت نه منظورم مدل حرف زدن آنهاست. و بعد این حرف را زد که خیلی از نوجوان‌های امروز به جای استفاده از کلمات زیبا و خوش‌آوای فارسی، می‌روند سراغ کلمات بیگانه. گرچه خودش به خاطر رشته تحصیلی‌اش خیلی اوقات به اجبار از کلمات خارجی استفاده می‌کند که ماهم متوجهش نمی‌شویم، ولی خیلی از این مدل حرف زدن نوجوان‌ها و جوان‌ها دلخور بود. همین مسأله شد موضوع این شماره از نوجوانه. گفتیم بررسی کنیم ببینیم چرا و چطور نوجوان‌های امروز درگیر زبان‌های دیگری غیر از فارسی شده‌اند. حالا هم که نشریه را ورق بزنید حتما کلی کلمات انگلیسی می‌بینید که به بهانه موضوع نشریه در آن جا داده‌ایم. قضاوت درست و غلط این کار هم با خودتان. مرسی گودبای!!

اولاً

در اولین مورد اشاره می‌کنم به ماجرای جناب تنوین. احتمالاً باید بدانید که کاربرد تنوین ابزار ساختن قید در عربی است و برای کلمات فارسی جایز نیست. مثلاً وقتی با کلمات عربی می‌سازیم: «اتفاقاً»، «اجباراً» یا «قطعاً» ولی کلمات فارسی تنوین بردار نیست. مثلاً نمی‌توانی بگویی: (گزارشاً به عرض می‌رسانم) بلکه درستش این است که بگویی: (به این وسیله گزارش می‌کنم که) یا مثلاً حق نداری بگویی: (ناچاراً رفتم) و به جایش باید مثلاً بگویی: (به ناچار، یا ناگزیر رفتم) البته اوضاع جدید از این هم خطرناک‌تر شده است تا جایی که ته برخی کلمه‌های لاتین هم تنوین می‌گذارند: (تلفوناً به او خبر دادم)، یعنی به وسیله تلفن یا تلفنی او را آگاه کردم.

ثانیاً

به نام / بنام: در زبان عربی حرف جر «ب» را همیشه باید به کلمه بعد که مجرور است متصل نوشت. اما در زبان فارسی حرف اضافه «به» را باید همواره جدا از کلمه نوشت. مگر در اشکال کهن مانند: بدین و بدو، زیرا اگر چون این ننویسیم در موارد بسیاری امکان به جای یکدیگر گرفته شدن واژه‌ها و معانی (التباس معنی) وجود دارد، مانند همین «به نام» و «بنام» که هر کدام جای کاربرد ویژه‌ای دارد. به این نمونه‌ها دقت کنید: «او نویسنده بنامی بود» یا «من او را به نام نمی‌شناختم». به همین ترتیب اگر «به‌روی» را «بروی» بنویسیم معلوم نخواهد شد که مراد چیست؟ آیا منظور از «بروی» فعلی از مصدر رفتن است، مانند برو، بروی و... یا آن که مثلاً می‌خواهیم بنویسیم که: این قلم به روی میز است یا اگر ما «به درد» را «بدرد» بنویسیم باز هم شباهت معنا رخ می‌دهد، زیرا «بدرد» یعنی پاره کند و «به درد» یعنی به غم و اندوه. به همین گونه‌اند صدها واژه که باید هنگام نوشتن آنها با احتیاط بود، مانند: به دل و بدل، به شتاب و بشتاب، به کار و بکار، به گردن و بگردن، به کس و بکس، به همان و بهمان، به گردش و بگردش، به چشم و بچشم، به هر و بهر، به خر و بخر، به دوش و بدوش، به بار و ببار، به خواب و بخواب و غیره.

ثالثاً

حالا برویم سراغ برخی کلمه‌ها که شاید شما هم به غلط از آنها استفاده کرده باشید ولی خوب است الان درستش را متوجه شوید. مطمئنم که از خواندن برخی از آنها تعجب خواهید کرد. درب: در عربی به معنای دروازه و در بزرگ است و نمی‌توان آن را به جای واژه «در» که فارسی است به معنای «در معمولی و کوچک» به کار برد. صحبت: به معنای معاشرت و مصاحبت است و به جای گفت‌وگو استعمال می‌کنند در حالی که بین معاشرت با گفت‌وگو بسیار فرق است. نهار: به فتح اول، عربی و به معنی روز است و آن را هرگز نباید با ناهار فارسی که به معنی گرسنه و غذای ظهر است اشتباه کرد. کفاش: از غلط‌های مصطلح و صحیح آن کفشگر یا کفشدوز است. کفش فارسی است و ساختن کفاش از آن به قیاس نقاش از نقش عربی جایز نیست. پیاده کردن، پیاده شدن: عکس سوار کردن و سوار شدن است و معنی دیگری نمی‌توان بر آن اطلاق کرد. پس این‌که امروز گویند: دانشگاه یا فلان وزارت، برنامه یا طرحی را پیاده کرده یا می‌کند صحیح نیست چه برنامه یا طرح جاندار یا سوارکار نیست که پیاده شود. در این گونه موارد باید گفت و نوشت: دانشگاه یا وزارت، فلان برنامه یا طرح خود را به مرحله عمل

درآورده یا درمی‌آورد.

دو غلو: اصل ریشه این اصطلاح ظاهراً ترکی است و دو کودک را گویند که در یک زمان از یک مادر زاییده شوند و در عربی این اصطلاح را توأمان گفته‌اند.

در زبان فارسی بسیار دیده می‌شود که سه غلو، یا چند غلو هم استعمال کرده‌اند که درست نیست. چه عوام کلمه «دو» قبل از غلو را اسم عدد فارسی پنداشته‌اند و به میل خود آن را کم یا زیاد و به تعداد دلخواه درآورده‌اند.

*** دهخدا نیز نوشته است: «دو غلو (دو قلو)» دُعُلّی. توأم. توأمان. همزاد. دو پهلوی. در تداول، کلمه را به غلط مرکب از دو (عدد فارسی) و قلو می‌پندارند و به ضم قاف تلفظ می‌کنند و به همین قیاس سه قلو و چهار قلو و پنج قلو به کار می‌برند.»

غلط مصطلح

درباره غلط‌های رایج نوشتاری که باید بدانیم

همین اول ماجرا برویم سراغ این موضوع که حتی اگر شما بگویید جزو کسانی نیستید که یکسره از لغات خارجی به ویژه لغات انگلیسی استفاده می‌کنند؛ از شما نخواهم پذیرفت که بگویید در فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن تان دچار برخی اشتباهات نمی‌شوید. البته خیلی از اشتباهات در گفتار و بخصوص نوشتار، ناشی از کم‌سوادی است، مثلاً وقتی می‌بینیم یک نفر می‌نویسد «بعد الظهر» و منظورش «بعد از ظهر» است یا بزرگواری که نهج البلاغه را می‌نویسد «نجل بلاقه» و خب الی ماشاءالله می‌شود از این ایرادها در نوشته انواع و اقسام نوجوان‌ها پیدا کرد. اما در این مقاله می‌خواهیم درباره برخی اشتباهات املائی و ادبیاتی صحبت کنیم که معروف هستند به «غلط‌های مصطلح» یعنی تعداد زیادی از آدم‌هایی که این اشتباهات را دارند و آن قدر زیاد شده که همه فکر می‌کنند درست است.

مریم شاهپسندی

نوجوانه

